



چگونگی پایه به یک نرخ ارز معطقی دست یافت؟

در جستجوی یک تعادل بامعنا

احمد مرادخانی

گزارش حاضر بازتاب تلاش‌های تحلیلی اقتصادگردانان و اقتصاددانان در ماه‌های اخیر درباره موضوع چگونگی تعیین نرخ مناسب برای برابری ریال با سایر ارزهاست. طبیعتاً در این انعکاس بیشتر به دیدگاه‌ها و نقطه‌نظرهای مرتبط با حوزه صادرات پرداخته شده است.

درصد افزایش نشان می‌دهد. این روند نشان می‌داد در سال ۸۴ نرخ واقعی دلار ۲/۹ درصد کاهش یافته، در حالی که نرخ اسمی آن ۳/۵ درصد رشد یافته بود. این روند ادامه می‌یافت تا اینکه در سال ۸۶ و ۸۷ کاهش نرخ واقعی دلار به ترتیب به ۱۱/۹ و ۱۵/۷ درصد می‌رسید ولی نرخ اسمی ارز به ترتیب ۱ و ۳/۱ درصد رشد می‌یافت. ظاهراً هرچه بیشتر می‌رویم، این دره عمیق‌تر و بازتر می‌شود.

مجموعه این ارقام بود که نشان می‌داد طی سال‌های گذشته قیمت ارزهای خارجی در کشور در حال کاهش بوده است و صادرکنندگان با اتکا به همین ارقام در محافل اقتصادی به طرح مشکلات خود پرداختند. نخستین محفل رسمی طرح موضوع، در جلسه دیدار وزیر بازرگانی و مدیران بانک‌ها با صادرکنندگان نمونه بود. در این جلسه موضوع نرخ ارز به عنوان یک موضوع اختلافی بین تولیدکنندگان و صادرکنندگان و همچنین مقامات مسوول در دولت مطرح شد. بسیاری از تولیدکنندگان معتقد بودند حرفی از افزایش نرخ ارز نباید زده شود، زیرا به دلیل افزایش بهای کالاهای واسطه‌ای وارداتی در اثر این اقدام، تولید داخلی آسیب می‌بیند و فشار بیشتری از وضع موجود را متحمل خواهد شد. البته این گروه در کنار نیاز به تثبیت نرخ ارز، کاهش بهره بانکی و دستیابی به اعتبارات و نقدینگی برای افزایش استفاده از ظرفیت‌های خالی تولید، حل مشکلات قانون کار، افزایش بهره‌وری و مانند آنها را به‌عنوان نیازهای حفظ تولید در داخل مطرح می‌کردند، ولی البته در مورد اینکه نرخ ارز و تثبیت آن در تولید آنها چه سهمی دارد، فرمولی عرضه نمی‌کردند، شاید به خاطر اینکه در مورد صنایع مختلف این عامل آثار مختلفی دارد و درصد وابستگی به مواد اولیه و واسطه و ماشین‌آلات در

هنگامی که در اواسط پاییز سال جاری بانک مرکزی جمهوری اسلامی گزارش خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۷ را منتشر ساخت، چنین به نظر رسید که هدیه‌ای بسیار ارزشمند برای صادرکنندگان در جوف این گزارش پیچیده است. گزارش خبر می‌داد با وجود ظاهر امر و ارقام بازار که نشان می‌دهند ارزش ریال در مقابل دلار، یورو و سایر ارزها کاهش یافته، (نرخ اسمی ارز افزایش یافته) در واقع ارزش واقعی این ارزهاست که در مقابل ریال کاهش یافته است. این خبری مهم بود که صادرکنندگان و نویسندگان مطبوعات اقتصادی، آن را محکم گرفتند. گزارش بانک مرکزی نشان می‌داد این گفته برخی استادان دانشگاهی که نرخ واقعی ارزش ارزها در مقابل ریال زیر فشار تورم داخلی در حال کاهش است و از قدرت رقابت صادرکنندگان در مقابل رقبای خارجی می‌کاهد، بی‌پایه نیست. گزارش نشان می‌داد به دلیل شتاب بیشتر رشد تورم در کشور ما در مقابل تورم موجود در بازارهای خارجی، افزایش ارزش واقعی ریال کماکان ادامه داشته و علت اصلی آن نیز همین اختلاف در نرخ تورم است.

گزارش البته مطالب کلان‌تری را مطرح می‌کرد. نرخ واقعی دلار و یورو با کسری تجاری کالاهای غیرنفتی در چند سال مقایسه شده و این نتیجه حاصل آمده بود که افزایش ارزش واقعی ریال سبب کسری تجاری غیرنفتی فراینده شده است و کاهش قدرت رقابت تولیدات ایرانی، همراه با تفاضل تورم داخلی و خارجی در کنار برخی عوامل ساختاری دیگر علت این پدیده است. تغییرات نرخ واقعی دلار بین سال‌های ۸۳ تا ۸۷ چنین حکایت می‌کرد که ارزش واقعی دلار در سال ۸۳ معادل ۵/۹ درصد کاهش داشته، ولی نرخ اسمی آن حدود ۵/۳

رشته‌های مختلف صنعتی متفاوت است. در مقابل این گروه از تولیدکنندگان، گروه دیگری نیز وجود دارند و در جلسه یادشده بر اجرای موادی از قانون برنامه توسعه تاکید کردند. به‌زعم آنان اجرای قانون پنج‌ساله سوم و چهارم در زمینه افزایش تدریجی نرخ ارز بر اساس تفاضل تورم داخلی و خارجی، یک تکلیف قانونی است و توازن بهای تولیدات داخلی و خارجی را در هر دو حوزه صادرات و واردات تامین می‌کند. البته لازم به گفتن نیست که در محافل اقتصادی ما این روزها بحث، عمدتاً به سمت موضوع واردات گرایش پیدا می‌کند و اختلاف بین واردکنندگان و تولیدکنندگان، سلطه خود را به سایر بحث‌های اقتصادی تحمیل کرده است. بنابراین بحث صادرات کمتر به میان می‌آید. صدای صادرکنندگان در مقابل صدای تولیدکنندگانی که از واردات کالاهای ارزان چینی می‌نالند کم می‌شود، هرچند صادرکنندگان با این گروه از تولیدکنندگان اهداف مشترکی را در زمینه نرخ ارز دنبال می‌کنند.

در ماه‌های اخیر صادرکنندگان بحث‌های خود را در زمینه نرخ ارز بیشتر در مطبوعات انجام داده‌اند و به‌ویژه پس از آنکه وزیر بازرگانی همصدا با بخش خصوصی خواستار توجه به تقاضای صادرکنندگان در زمینه نرخ ارز شد، این طرح موضوع، افزایش بیشتری یافته است. متأسفانه این طرح موضوع یک‌طرفه است و در واقع کسی پیدا نمی‌شود که عملاً در مقابل صادرکنندگان از تثبیت موقعیت کنونی ریال در مقابل ارزهای خارجی دفاع کند. بنابراین بحث‌های موجود همچون آوازخواندن در دشت، انعکاس و اکویی ندارد. همه آنچه دیده می‌شود استدلال‌هایی است که از سوی صادرکنندگان صادر می‌شود. از جمله موارد معدودی که درباره آن اظهارنظر مخالف صورت گرفته است، دفاع رئیس کل بانک مرکزی است که اعلام کرد قیمت فعلی ارز واقعی است و بانک مرکزی قیمت دلار را پایین نگه نداشته است. این مسوول، نرخ یادشده را واقعی و «متعادل» اعلام کرده و به‌نظر می‌رسد بازار حرف او را تایید می‌کند؛ بانک مرکزی نرخ ارز را با زور و به‌صورت دستوری پایین نگه نداشته است و به‌نظر می‌رسد هنگامی که تفاوت معناداری بین قیمت رسمی و قیمت به اصطلاح کف بازار وجود ندارد، پس تعادل در قیمت برقرار است؛ بنابراین بازار متعادل است.

رئیس کل بانک مرکزی:
بانک مرکزی نرخ ارز را با زور و به‌صورت دستوری
پایین نگه نداشته است و به‌نظر می‌رسد هنگامی که
تفاوت معناداری بین قیمت رسمی و قیمت به اصطلاح
کف بازار وجود ندارد، تعادل در قیمت برقرار است؛
بنابراین بازار متعادل است

در ماه‌های اخیر صادرکنندگان بحث‌های خود را در زمینه نرخ ارز بیشتر در مطبوعات انجام داده‌اند و به‌ویژه پس از آنکه وزیر بازرگانی همصدا با بخش خصوصی خواستار توجه به تقاضای صادرکنندگان در زمینه نرخ ارز شد، این طرح موضوع، افزایش بیشتری یافته است. متأسفانه این طرح موضوع یک‌طرفه است و در واقع کسی پیدا نمی‌شود که عملاً در مقابل صادرکنندگان از تثبیت موقعیت کنونی ریال در مقابل ارزهای خارجی دفاع کند. بنابراین بحث‌های موجود همچون آوازخواندن در دشت، انعکاس و اکویی ندارد. همه آنچه دیده می‌شود استدلال‌هایی است که از سوی صادرکنندگان صادر می‌شود. از جمله موارد معدودی که درباره آن اظهارنظر مخالف صورت گرفته است، دفاع رئیس کل بانک مرکزی است که اعلام کرد قیمت فعلی ارز واقعی است و بانک مرکزی قیمت دلار را پایین نگه نداشته است. این مسوول، نرخ یادشده را واقعی و «متعادل» اعلام کرده و به‌نظر می‌رسد بازار حرف او را تایید می‌کند؛ بانک مرکزی نرخ ارز را با زور و به‌صورت دستوری پایین نگه نداشته است و به‌نظر می‌رسد هنگامی که تفاوت معناداری بین قیمت رسمی و قیمت به اصطلاح کف بازار وجود ندارد، پس تعادل در قیمت برقرار است؛ بنابراین بازار متعادل است.

درباره این «تعادل»، «قیمت واقعی»، «نرخ بهینه»، «شرایط دستیابی بازار به ارز»، «اثر عرضه» و... که همگی توصیفاتی از وضعیت بازار ارزی برای صادرکنندگان هستند، سخن‌های بسیاری گفته شده است. خلاصه استدلال صادرکنندگان [و همچنین تولیدکنندگان مخالف واردات]، توسط یکی از استادان دانشگاهی چنین توصیف شده است: «طی ۱۰ سال گذشته تولیدکنندگان در کشور ما به‌طور متوسط با تورمی معادل ۱۶ درصد در سال دست به گریبان بوده‌اند، در حالی که طرف‌های تجاری ما تورمی حدود دو تا چهار درصد در سال داشته‌اند. هرگاه از پاره‌ای جزئیات صرف‌نظر کنیم و تغییر در هزینه‌های تولید را نیز معادل تغییرات نرخ تورم در نظر بگیریم، تولیدکنندگان ما در بهترین حالت، سالی ۱۲ درصد از رقبای خارجی‌شان عقب افتاده‌اند. قاعدتاً باید تمام یا بخش عمده‌ای از این تفاوت از طریق اصلاح نرخ ارز جبران شود، اما طی ۱۰ سال گذشته، سیاست تثبیت نرخ ارز از این کار جلوگیری کرده است. درحقیقت طی مدت یادشده نرخ دلار نسبت به ریال تنها ۲۲ درصد افزایش یافته است، در حالی که تفاضل نرخ تورم داخلی با تورم در کشورهای طرف معامله ما طی همین مدت، بیش از ۳۰۰ درصد بوده است. آنچه گفته شد بدان معنی است که با گذشت هر سال، تولیدکنندگان خارجی با هزینه‌های نسبی پایین‌تری به مصاف تولیدکنندگان ما می‌آیند...»

همین استدلال ریشه تقاضاهایی است که به تازگی از سوی اتاق بازرگانی مطرح شده است. یحیی آل‌اسحاق رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران می‌گوید: «پیشنهاد جدید بخش خصوصی برای تعیین نرخ ارز این است که با تعریف یک پروژه تحقیقاتی با همکاری بانک مرکزی، وزارت اقتصاد و اتاق بازرگانی، یک مدل و الگوی تعیین نقطه نرخ ارز بهینه در شرایط زمانی و مکانی متفاوت تعیین شود.»

«نقطه نرخ ارز بهینه» بر اساس فحوای کلام استادان و بازرگانان و مقامات مسوول کشور، گویا نرخ است که بین تقاضاهای کاهش و افزایش نرخ ارز، نقطه میانی و حد فاصل و مرز مشترک باشد؛ نه آن قدر بالا که واردات مواد واسطه‌ای، گران، تولید سخت و تورم حاصل